

وظیفه مسلوس و مبطون در حج و عمره

زهرا عشقی*

رضا عندلیبی*

چکیده:

یکی از مسائل مهم و مستحدثه فقهی بررسی حکم معذوران جسمی است؛ مسلوس و مبطون شدن، یکی از معلولیت‌هایی است که به موجب آن شخص قادر به حبس بول یا مدفوع خود نیست. این اشخاص برای انجام برخی عبادات همچون نماز، طواف و نماز طواف دچار مشکل می‌شوند که در این مقاله تلاش شده حکم فقهی اعمال ایشان با توجه به ادله مشخص شود. از آنجا که معذوران انواع مختلفی دارند، بالتبع احکام متفاوتی نیز دارند که پس از بررسی سندی و دلالتی روایات، این احکام روشن می‌گردد. در مورد حکم طواف هم هر چند برخی افزون بر انجام طواف توسط فرد معذور، به لزوم نایب گرفتن نیز فتوا داده‌اند اما مقتضای ادله آن است که نیابت لازم نیست و در مورد حکم نماز طواف و لزوم تحصیل طهارت جدید نیز بین فقها اختلاف وجود دارد که هر چند احتیاط در تجدید وضوست، اما نتیجه بررسی ادله عدم لزوم آن است.

کلید واژه‌ها: مسلوس، مبطون، معذور، طهارت، حج، عمره

* . سطح ۳ جامعه الزهرا، حوزه علمیة قم / z.eshqi@yahoo.com

* . سطح ۴، استاد حوزه علمیة قم / Rezaandalibi61@yahoo.com

برخی به دلیل کهنوت سن، بیماری و یا حوادثی که برایشان رخ می‌دهد، به معلولیت‌هایی مبتلا می‌شوند که در انجام برخی عبادات دچار مشکل می‌شوند. «مسلسوس» و «مبطون» شدن از جمله این معلولیت‌هاست؛ در لغت و اصطلاح فقها کسی که به بیماری «سلس البول» مبتلا شود و توانایی نگه‌داشتن ادرار خود را نداشته باشد به گونه‌ای که قطره قطره و بی‌اختیار ادرار از او خارج شود «مسلسوس» نامیده می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۰۷؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۱۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۲۰) و بر کسی که به بیماری «بطن» مبتلا شده و توانایی نگه‌داشتن مدفوع یا بادشکم خود را ندارد «مبطون» می‌گویند. (صاحب‌بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۹۱؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۲۰؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۴) افزون بر اینکه در فقه به این افراد و زنانی که استحاضه مداوم دارند «دائم‌الحدث» نیز گفته می‌شود. (علامه، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۴۱؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۶۰-۴۶۵)

از آنجا که در فریضه مهم حج، برخی اعمال - مثل طواف و نماز طواف - متوقف برداشتن طهارت ظاهری (رفع خبث) و باطنی (رفع حدث) است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۵۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۱) و امکان تحصیل طهارت در تمام مدت زمان اقامه نماز و انجام طواف بر مسلسوس و مبطن غیر ممکن است باید وظیفه این افراد در انجام طواف و نماز طواف مشخص شود.

هر چند ممکن است به خاطر حرمت وارد کردن نجاست به مسجد - آن هم مسجد الحرام - که در آیات، (بقره: ۱۱۹ و توبه: ۲۸) روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۲۹ و ۲۳۰) و نظرات مشهور فقها (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۹؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۵۶) مطرح شده، نیز این مسأله نیازمند بررسی باشد؛ اما از آنجا که به نظر می‌رسد تنها وارد کردن نجاسات مسریه به مسجد و آلوده کردن آنجا از محرمات است (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۹۵) با محافظت از تسری نجاست، از این جهت مانعی برای مسلسوس و مبطن وجود ندارد؛ چرا که بر مسلسوس و مبطن واجب است با کیسه پارچه‌ای یا پلاستیکی مانع از سرایت نجاست به بدن، لباس و محیط اطراف شوند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۳۰۷)

اکثر فقها وظیفه عملی مسلسوس و مبطن در نماز را در باب الصلاة کتب فقهی و رساله‌های عملیه مطرح کرده‌اند و در بیشتر کتاب‌های مناسک حج نیز وظیفه مسلسوس و مبطن

در طواف و نماز طواف را به همان بحث ارجاع داده‌اند؛ با توجه به اینکه در مورد اقوال در این مسأله آشفتگی زیادی دیده می‌شود و از سوی دیگر، پژوهش مجزا و جامعی که به بررسی اقوال و ادله در این مسأله - چه در بحث نمازهای یومیه و چه در بحث مناسک حج - بپردازد یافت نشد. امید است این تحقیق بتواند خلأ پژوهشی در این زمینه را پر کند. پیش از آغاز بحث، لازم به ذکر است که مسلوس و مبطون بودن ضروری به استطاعت در حج نمی‌زند و اگر شخصی از همه جهات مستطیع باشد و تنها مشککش مسلوس یا مبطون بودن باشد قطعاً مستطیع است؛ زیرا در حصول استطاعت توانایی انجام مناسک شرط است و مسلوس و مبطون نیز توانایی انجام مناسک - هر چند با تحصیل چند باره طهارت - را دارا هستند؛ همانطور که هیچ کس نمی‌گوید زن حیض که از تحصیل طهارت معذور است مستطیع نمی‌باشد؛ بلکه به صبر تا زمان رفع عذر و در نهایت نایب گرفتن برای انجام طواف و نماز طواف فتوا می‌دهند. (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۸۵) بنابراین در مورد استطاعت مسلوس و مبطون اشکالی وجود ندارد. هر چند با توجه به عنوان مقاله، باید بحث در دو مبحث طواف و نماز طواف پیگیری شود؛ اما از آنجا که بیشتر فقها بحث طواف را به همان وظیفه نمازهای یومیه ارجاع داده‌اند، لازم است پیش از این دو مبحث، حکم نمازهای یومیه مسلوس و مبطون بررسی شود.

مبحث اول: وظیفه مسلوس و مبطون در نمازهای یومیه

اقوال و ادله فقها

هر چند بسیاری از فقها حکم مسلوس و مبطون را جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند، اما با توجه به وحدت ادله و پرهیز از تکرار مباحث، حکم هر دو گروه با هم مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته از آنجا که مسلوس و مبطون‌ها از حیث خروج حدث یکی نیستند، باید انواع معذوران مطرح و حکم هر یک به‌طور جداگانه بررسی شود:

نوع اول: گاهی خروج حدث دوام ندارد و در طول مدت زمان برای اقامه یک نماز، زمان‌هایی وجود دارد که شخص می‌تواند در آن طهارت و نماز را اگرچه با

اكتفا به اقل واجبات آن انجام دهد؛ در این صورت طبق نظر همه فقها (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۲۴) مسلوس و مبطون صبر کنند و نمازشان را در زمان پاکی اقامه کنند. (علامه، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ص ۴۰)

البته محقق اردبیلی با استناد به اطلاق ادله و اقتضای قاعده لاجرح، بعید ندانسته که چنین شخصی نیز بتواند نمازهایش را در اول وقت اقامه کند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۲)

در پاسخ باید بگوییم:

اولاً: درست است که اسلام دین سهله و سمحه است و احکام آن به گونه‌ای تشریح شده که حرج و سختی بر مکلفان لازم نیاید، اما گاهی سخت‌گیری فلسفه‌ای دارد که موجب شده اسلام آن را تشریح نماید. به عنوان نمونه شریعت اسلام در مورد حیض بسیار آسان گرفته و نماز و روزه را از او برداشته است؛ اما در مورد مستحاضه بسیار سخت گرفته و گاهی در طول شبانه روز انجام چندین غسل و وضو را از او خواسته است. دلیل این تفاوت شاید در این باشد که خروج خون حیض امری طبیعی برای زن است، اما چون خروج خون مستحاضه امری غیر طبیعی است که به خاطر بیماری، زخم و... است و شخص باید در پی درمان آن باشد. سخت‌گیری شریعت و در تنگنا قرار دادن زن مسلمان، باعث می‌شود وی هرچه زودتر به دنبال درمان بیماری خود باشد. در مورد مسلوس و مبطون نیز شاید برخی سخت‌گیری‌ها موجب فشار بر مکلف و تلاش برای درمان باشد؛ چرا که عدم حبس بول و غایط از امور طبیعی بشر نبوده و بیماری به شمار می‌رود که قابل درمان است.

ثانیاً: مطابقت قواعد اولیه (لا صلاة الا بطهور و ادله ناقصیت بول و غایط) دلیل نظر مشهور است. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۰۹) در نوع اول چون خروج حدث دوام ندارد از اقامه نماز در اوقات پاکی قطعاً حرجی لازم نمی‌آید.

ثالثاً لازمه نظریه محقق اردبیلی عدم شرطیت طهارت در نماز و جواز نقض بدون عذر طهارت در بین نماز هم می‌باشد که کسی به آن ملتزم نمی‌شود. بنابراین چنین شخصی حتماً باید نمازش را در فترات پاکی اقامه نماید.

نوع دوم: گاهی خروج حدث دوام دارد؛ اما در بین نماز چند بار محدود (دو یا سه بار) حدث خارج می‌شود که وضو گرفتن بعد از هر حدث و ادامه نماز موجب حرج نمی‌شود در این صورت بین فقها دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: لزوم تجدید وضو در بین نماز

مشهور فقها (شهید اول، ۱۴۱۲ق، ص ۵۱) معتقدند مبطون باید برای هر نماز یک وضو بگیرد و ظرف آب را نزدیک خود قرار دهد و مشغول نماز شود تا اگر وسط نماز حدثی از او خارج شد، بلافاصله بدون استدبار قبله و سخن گفتن و... وضو گرفته و نمازش را ادامه دهد. بیشتر فقها حکم مبطون را به مسلوس نیز سرایت داده و معتقدند مسلوس نیز باید در صورت خروج حدث در بین نماز، تجدید وضو کند.

شیخ طوسی، (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۲۹؛ همو، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰) ابن حمزه، (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۴) ابن ادریس، (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۰) محقق حلی، (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶) و شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۰۳) بر این حکم تصریح کرده و بیشتر معاصران نیز احتیاط را در همین عمل می‌دانند. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۶۱؛ امام خمینی، بی تا: ج ۱، ص ۳۱)

نظریه دوم: کفایت یک وضو برای هر نماز

برخی از فقها وجود نوع دوم از معذورین را قبول ندارند و معتقدند مبطون و مسلوس یا زمانی برای اقامه نماز در اوقات پاکی دارد، که می‌بایست در آن زمان نماز خود را اقامه نماید و یا چنین زمانی ندارد که در این صورت یک وضو برای نماز کافی است؛ هر چند بین نماز حدث خارج گردد.

علامه حلی در بیشتر کتاب‌هایش، (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ همو، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۸؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۵) جمال‌الدین حلی، (جمال‌الدین حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۸) و محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۴) این نظریه را پذیرفته‌اند و برخی از معاصران نیز در همین نوع دوم یک وضو برای هر نماز شخص معذور (مبطلون و مسلوس) را کافی دانسته‌اند؛ به ویژه اگر انجام وضو به فعل کثیر نیازمند باشد. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۶۱؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۶)

ادله فقها:

ادله نظریه اول (لزوم تجدید وضو در بین نماز)

الف) مطابقت با قواعد

ما دو دسته دلیل بر لزوم طهارت در نماز داریم: دسته‌ای که انجام نماز را مشروط به طهارت می‌داند؛ البته نسبت به اکوان متخلله در نماز دلالتی ندارد. بنابراین شخص می‌تواند بین نماز تجدید وضو کند و دسته دوم که در تمام لحظات نماز، داشتن طهارت را لازم می‌داند. بنابراین با آمدن قواطع - مثل حدث - نماز باطل می‌شود که با توجه به روایاتی که خواهد آمد در مورد مبطلون از دسته دوم صرفنظر می‌کنیم.

اشکال اول: انجام افعال کثیره در بین نماز در انجام طهارت مبطل نماز است.

پاسخ: بر مبطلیت فعل کثیر در نماز دلیلی نداریم و تنها ارتکاز متشرعه بر مبطلیت است، که آن هم در افعال غیرمرتبط به نماز است، نه در مورد تحصیل طهارت. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۳)

اشکال دوم: این دلیل نمی‌تواند دلیل مستقلی باشد، بلکه منوط به تمامیت روایات است که خواهد آمد.

ب) موثقه محمد بن مسلم

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: صَاحِبُ الْبَطْنِ الْغَالِبِ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَرْجِعُ فِي صَلَاتِهِ فِيمَا بَقِيَ». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۱؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۸)

ج) صحیح محمد بن مسلم

«وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ صَاحِبُ الْبَطْنِ الْغَالِبِ يَتَوَضَّأُ وَيُنْبِي عَلَى صَلَاتِهِ». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

تقریب استدلال: مطابق این روایات معتبر، مبطلون باید با خروج حدث در بین نماز، تجدید وضو کرده و نمازش را ادامه دهد. بنابراین این دسته از روایات، نظریه اول را اثبات می‌کند.

اشکال اول: در این روایت دو احتمال دیگر نیز وجود دارد:

احتمال اول: مقصود از اتمام نماز این است که شخص مقدماتی که انجام داده را (مثل اذان و اقامه و تکبیرات مستحبی و...) دوباره تکرار نکند و وضو بگیرد و نماز را آغاز کند. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، صص ۲۹-۳۰)

احتمال دوم: مقصود از اتمام نماز، اقامه بقیه نمازهاست، نه اتمام نماز رها شده. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۶)

با وجود این دو احتمال، دیگر جایی برای قبول نظریه اول (جواز وضو بین نماز و ادامه آن) که خلاف مرتکز مشرعه است نمی باشد.

پاسخ: این دو احتمال، خلاف ظاهر روایات است؛ احتمال اول قابل پذیرش نیست؛ زیرا خروج حدث در آغاز نماز و عدم لزوم انجام دوباره مستحبات برای مبطون امر مبهمی برای راویان - به ویژه راوی مثل محمد بن مسلم - نبوده که امام علیه السلام متذکر آن شود. واضح است که مشکل در خروج حدث در مبطون در بین نماز بوده است. بنابراین پاسخ امام علیه السلام نیز در مورد خروج حدث در بین نماز است. احتمال دوم نیز قابل قبول نیست؛ زیرا عبارت «يُرْجَعُ فِي صَلَاتِهِ» در روایت اول ظهور تام در بازگشت به همان نماز و ادامه همان نماز دارد.

بنابراین این اشکال وارد نبوده و ظهور روایت در تجدید وضو در بین نماز است. اشکال دوم: فایده تجدید وضو در بین نماز چیست؟ با خارج شدن حدث در بین نماز، نماز باطل می شود، پس دیگر چیزی وجود ندارد که بخواهد آن را ادامه دهد.

پاسخ: اولاً وقتی روایت صحیحه وجود دارد، اجتهاد در مقابل نص معنایی ندارد. ثانیاً چه اشکالی دارد طهارت در افعال نماز شرط باشد، اما در مورد خاصی به خاطر وجود دلیل، قائل به عدم قاطعیت حدث باشیم؛ همانطور که در ذیل دلیل قبل گذشت.

اشکال سوم: از آنجا که بعید است یک راوی یک سؤال را چندین بار از یک امام بپرسد و امام هر بار پاسخی غیر از پاسخ قبل بدهد، به نظر می رسد محمد بن مسلم تنها یک سؤال از امام باقر علیه السلام کرده، که توسط ایشان یا روات بعدی سه نوع نقل به معنا شده است:

الف) صحیحہ اول محمدبن مسلم منقول توسط مرحوم کلینی:
 «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمُبْطُونِ فَقَالَ يَبْنِي عَلَى صَلَاتِهِ».

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۸)

ب) صحیحہ دوم محمدبن مسلم منقول توسط مرحوم شیخ صدوق:
 «وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ صَاحِبُ الْبَطْنِ الْغَالِبِ يَتَوَضَّأُ وَيَبْنِي عَلَى صَلَاتِهِ». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

ج) موثقه محمدبن مسلم منقول توسط مرحوم شیخ طوسی:
 «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: صَاحِبُ الْبَطْنِ الْغَالِبِ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَرْجِعُ فِي صَلَاتِهِ فَيُتِمُّ مَا بَقِيَ». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۸)
 بنابراین باید بدانیم کدام مضمون، مضمون قریب به واقع است و یا بین آنها تعارض شده و همگی از حجیت ساقط می شوند؟

برخی بزرگان، روایت سوم (موثقه) را به دلیل اشکال سندی کنار گذاشته و روایت اول را صریح در اثبات نظریه دوم دانسته و روایت دوم را نیز ذواحتمالین دانسته و با توجه به روایت اول، آن را نیز مؤید مدعای خود می دانند. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۸) اما از آنجا که از نظر رجالی روایت سوم به خاطر امکان اثبات وثاقت ابی المفضل شیبانی در طریق شیخ طوسی به عیاشی، موثقه و حجت است،^۱ باید هر سه روایت مورد بررسی قرار گیرد. برای ترجیح هر یک از روایات، وجوهی محتمل است:

۱. هر چند تضعیفاتی در مورد ابی المفضل شیبانی در کتب رجالی مطرح شده، (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۹۶؛ طوسی، بی تا: ص ۱۴۰) اما با چند وجه از توثیقات عام وثاقت ایشان قابل اثبات بوده و تضعیفات نیز قابل توجیه است:

وجه اول: اکتفا شیخ طوسی به ابی المفضل در فهرست با وجود روات دیگر: در بیش از ۲۰۰ مورد نام ایشان در طرق واقع شده است و حال آنکه با توجه به تعویض سند روات مسلم الوثاقتی وجود داشته است که شیخ می توانسته نام آنها را بیاورد؛ بنابراین مشخص می شود شیخ، وی را ثقه می دانسته است.

وجه دوم: کثرت ترضی و ترحم صاحب کفایة الاثر: علی بن محمد خزاز صاحب کفایة الاثر (شاگرد شیخ صدوق) در موارد متعددی (۱۳ مورد از حدود ۲۰ مورد) از کتابش برای ایشان ترضی و ترحم

وجه اول: اضبطیت شیخ کلینی

طبق برخی مبانی (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۱۸) در تعارض بین نقل‌های محمدون ثلاث، نقل مرحوم کلینی مقدم می‌شود؛ زیرا وی کافی را طی بیست سال تألیف کرده و دقت وی از شیخ طوسی و شیخ صدوق بیشتر است.

اشکال: ترجیح نقل کلینی بر دیگران در صورتی است که یک روایت با یک سند توسط محمدون ثلاث نقل شود، نه در جایی که هر یک از سه بزرگوار یک روایت نقل کرده باشند؛ بنابراین باید اضبطیت روات قبل با همدیگر مقایسه شود.

وجه دوم: اصل عدم زیاده

در میان اصل عدم زیاده و اصل عدم نقیصه، بنای عقلا بر تقدیم اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه است؛ (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۴۷) زیرا اضافه کردن سهوی یک عبارت به روایت بعید است؛ اما کم کردن عبارت هم به خاطر اشتباه نساخ و هم به خاطر نقل به معنا کردن روایات محتمل است. بنابراین کامل‌ترین عبارت که نقل شیخ طوسی است مقدم می‌شود.

کرده است. (منهج المقال) شیخ طوسی در الغیبه (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۷) و نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۲۵۴) و سیدبن طاووس در اقبال (سیدبن طاووس، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۵؛ ج ۲، ص ۲۱۰) و فلاح السائل (سیدبن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۱۵۱) و... نیز برای او ترضی و ترجم دارند.

وجه سوم: نقل صدها کتاب برای جماعت بدون اختلاف نسخه توسط ایشان: امثال حسین بن عبدالله و دیگر بزرگان از ایشان روایت نقل کرده‌اند و هیچ اختلاف نسخه‌ای ندارند و گرنه شیخ در فهرست به اختلاف نسخه اشاره می‌کرد. بنابراین مشخص می‌شود وی راوی ثبت و ثقه‌ای بوده است.

وجه چهارم: وقوع در اسناد دوقلو بدون اختلاف نسخه: وی کتب و روایات برقی و یونس بن عبدالرحمن و... را همراه با راویان ثقه دیگر بدون اختلاف نسخه نقل کرده است. از این رو مشخص می‌شود وی فرد ثقه‌ای بوده است و گرنه میان نسخه او با نسخ روات ثقه اختلاف دیده می‌شد.

با توجه به وجوه مطرح شده مشخص می‌شود ابوالفضل شیبانی، راوی ثبت و ثقه‌ای بوده و روایات موجود روایاتی است که در زمان ثبتش نقل کرده است و منافاتی هم با تضعیفات ندارد؛ زیرا این تضعیفات مربوط به اواخر عمر که تخلیط (آزایمر) داشته است می‌باشد. بنابراین روایات او قابل عمل است.

اشکال: اصل عدم زیاده و اصل عدم نقیصه دو اصل عقلایی است که در صورت عدم تعارض با همدیگر جریان دارند؛ اما در صورت تعارض، تقدیم یکی بر دیگری به صورت مطلق ثابت نیست و در موارد متعدد حکم مختلف است. (صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۰)

اگر یکی از دو وجه مورد پذیرش بود، روایت واقعی مشخص و مشکل حل می‌شد؛ اما روایت با توجه به اشکالات مطرح شده دارای چند احتمال شده و در قسمت اختلافی از حجیت ساقط می‌شود و تنها قدر متیقن ثابت می‌شود. قدر متیقن از این سه روایت تنها اصل معذوریت مبطون است و چیزی بیش از این ثابت نمی‌شود.

ادله نظریه دوم (کفایت یک وضو)

الف) صحیحه اول محمد بن مسلم

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمَبْطُونِ فَقَالَ يَنْبِي عَلَى صَلَاتِهِ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۸)

ب) صحیحه دوم محمد بن مسلم

«وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ صَاحِبُ الْبَطْنِ الْغَالِبُ يَتَوَضَّأُ وَيَنْبِي عَلَى صَلَاتِهِ». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

تقریب استدلال: این دو روایت وظیفه شخص معذور را تنها یک وضو و اقامه نماز دانسته‌اند؛ بنابراین وضوی بین نماز لازم نیست.

اشکال: اشکالی که در ذیل روایات نظریه اول در مورد عدم اثبات نسخه واقعی از روایت محمد بن مسلم مطرح شد، بر این دو روایت نیز وارد می‌شود.

ج) صحیحه حلبی

«عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ تَقْطِيرِ الْبَوْلِ قَالَ يَجْعَلُ خَرِبَةً إِذَا صَلَّى». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۸)

د) صحیحہ منصور بن حازم

«عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الرَّجُلُ يَغْتَرِيهِ الْبَوْلُ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى حَبْسِهِ قَالَ فَقَالَ لِي إِذَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَى حَبْسِهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ يَجْعَلُ خَرِيطَةً».

(همان، ص ۲۹۷)

تقریب استدلال: در این روایات تصریح شده که خداوند عذر کسی که قادر به حبس بول نیست، می پذیرد و نیازی به تجدید وضو برای اقامه نماز ندارد.

اشکال: هر چند احتمال دارد مقصود روایت بحث طهارت حدیثه باشد اما این احتمال وجود دارد که با توجه به مطرح کردن وضع خریطه و... مقصود، طهارت خبیثه و نجاست ظاهری باشد که با وجود هر دو احتمال، روایت قابلیت استدلال برای اثبات مدعا را نخواهد داشت.

ه) مکاتبه عبدالرحیم

«عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي الْخَصِيِّ يَبُولُ فَيَلْقَى مِنْ ذَلِكَ شِدَّةً وَيَرَى الْبَلَلَ بَعْدَ الْبَلْلِ قَالَ يَتَوَضَّأُ وَيَتَضَحُّ فِي النَّهَارِ مَرَّةً وَاحِدَةً».

(همان، ص ۲۸۵)

تقریب استدلال: در این روایت، امام عليه السلام انجام یک وضو برای معذورین را کافی می داند.

اشکال: از آنجا که احتمال دارد مقصود از (یری البلل بعد البلل) بلل مشتبه باشد، روایت ربطی به بحث ما نخواهد داشت.

و) صحیحہ حرز

«حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَقْطُرُ مِنْهُ الْبَوْلُ وَالِدَّمُ إِذَا كَانَ حِينَ الصَّلَاةِ اتَّخَذَ كَيْسًا وَجَعَلَ فِيهِ قُطْنًا ثُمَّ عَلَقَهُ عَلَيْهِ وَادْخَلَ ذَكَرَهُ فِيهِ ثُمَّ صَلَّى يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ وَيُعَجِّلُ الْعَصْرَ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَيُؤَخِّرُ الْمَغْرِبَ وَيُعَجِّلُ الْعِشَاءَ».

بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَيَفْعَلُ ذَلِكَ فِي الصُّبْحِ». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۸؛ ابن بابویه،

۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۷)

تقریب استدلال: اطلاق این روایت که تجدید وضو بین نماز را لازم نمی‌داند، نسبت به خروج حدث در بین نماز - چه به صورت مستدام و چه چند مرتبه محدود - نظریه دوم را اثبات می‌کند.

اشکال اول: در این روایت اطلاق وجود ندارد؛ چون از حیث لزوم تجدید وضو ساکت است. دوم: بر فرض که اطلاق داشته باشد، روایات دسته اول مقید این روایت و مقدم بر آن بوده و اطلاق آن را تقیید می‌زند.

(ز) موثقه سماعة

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَهُ نَقْطِيرٌ مِنْ قُرْحِهِ (فَرَجِهِ) إِمَّا دَمٌ وَإِمَّا غَيْرُهُ قَالَ فَلْيَضَعْ خَرِيْطَةً وَ لِيَتَوَضَّأْ وَ لِيُصَلِّ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَلَاءٌ ابْتَلِيَ بِهِ فَلَا يُعِيدَنَّ إِلَّا مِنَ الْحَدَثِ الَّذِي يُتَوَضَّأُ مِنْهُ». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶۶)

تقریب استدلال: در این روایت معتبر که بعد از وضع خریطه، تنها لزوم انجام وضو در آغاز نماز مطرح شده، مشخص می‌شود در صورت خروج حدث در بین نماز - که بیشتر در مسلوس و مبطن اتفاق می‌افتد - تجدید وضو لازم نیست. افزون بر اینکه در ذیل روایت تصریح شده که مقصود از حدثی که باید شخص به خاطرش وضو بگیرد، حدث متعارف است.

اشکال: روایت در مورد خون است و حرفی از خروج حدث (بول و غایط) مطرح نشده است و مستدل می‌خواهد از کلمه (غیره) استفاده کند، اما با توجه به ذیل روایت که بحث خروج حدث مطرح شده، مشخص می‌شود نمی‌توان مراد (غیره) را حدث دانست. (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۷۲)

پاسخ: اگر بحث بول یا غایط نباشد، دلیلی برای طرح انجام وضو در صدر و ذیل روایت نبود و تنها بحث نجاست ظاهری مطرح می‌شد. از این رو، این روایت موثقه بر مدعا دلالت دارد.

جمع بندی:

نتیجه آنکه تنها روایت معتبر که اشکالی بر آن وارد نیست، روایت موثقه سماعة است که بر کفایت یک وضو دلالت دارد. بر این اساس، نظریه دوم ثابت شده و روایات دیگر نیز می‌تواند موید این روایت باشد.

البته اگر بر فرض هر دو دسته از روایات از نظر سندی و دلالتی تام باشند، وجه جمع عرفی اطلاق و تقیید، روایات دسته اول را مقدم می‌کند؛ زیرا روایات دسته دوم از حیث لزوم تجدید وضو در بین نماز و عدم لزوم آن اطلاق دارند؛ اما روایات دسته اول تجدید وضو در بین نماز را لازم می‌دانند. بنابراین نظریه اول ثابت می‌شود، اما مشکل اینجاست که روایات دسته اول تام نبود.

از میان اصول عملیه نیز اصل احتیاط با نظریه اول موافق است، اما اصل استصحاب (استصحاب طهارت ابتدای نماز) و برائت (عدم وجوب وضوی جدید) نظریه دوم را اثبات می‌کند.

نکته باقیمانده آنکه در صورتی که در بین نماز تجدید وضو واجب باشد، آیا ازاله نجاست و تعویض کیسه نیز در بین نماز واجب است یا نه؟ به نظر می‌رسد مطابق هر دو نظریه از آنجا که روایات در مقام بیان وظیفه فعلی مکلف بوده و به این نکته اشاره‌ای نکرده‌اند، ظاهراً این نجاست معفو بوده و نیازی به تطهیر نجاست خبثیه در بین نماز نیست، به ویژه اینکه قطعاً موجب فعل کثیر در بین نماز می‌شود.

نوع سوم: گاهی خروج حدث دوام دارد و در بین نماز پی در پی حدث خارج می‌شود؛ به گونه‌ای که وضو گرفتن بعد از هر حدث و ادامه نماز موجب حرج است، که در این صورت قطعاً و طبق نظر همه فقها یک وضو در ابتدای نماز کافی است و نیازی به تجدید وضو در بین نماز نیست؛ زیرا در جایی که خروج حدث دوام دارد، تجدید وضو عملاً ممکن نبوده و حرج شدید لازم می‌آید.

البته بین فقها در مورد اینکه آیا یک وضو برای چندین نماز کافی است و یا برای هر نماز باید وضو گرفت، اختلاف نظر وجود دارد:

نظریه اول: کفایت یک وضو برای چندین نماز

شیخ طوسی در مبسوط (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۶۸) معتقد است یک وضو برای چندین نماز کافی است و صاحب کشف‌الرموز (فاضل‌آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۹) و بیشتر فقهای معاصر نیز به آن تمایل دارند. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۶۰؛ امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۰۹)

نظریه دوم: کفایت یک وضو برای ظهرین و یک وضو برای عشاءین

علامه حلی در منتهی (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۳۷)، محقق اردبیلی، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۳) صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۴۳) و صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۸۸) معتقدند چنین شخصی می تواند ظهر و عصر را با یک وضو و مغرب و عشا را با یک وضو اقامه کند.

نظریه سوم: لزوم تجدید وضو برای هر نماز

مشهور فقهای متقدم (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۴) از جمله شیخ طوسی در خلاف، (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۴۹) ابن ادریس، (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۰) محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۵؛ همو، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۴) علامه در بیشتر کتبش (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱۰؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۳) (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۰۱) جمال الدین حلی، (جمال الدین حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۸) و بسیاری از فقها معتقدند چنین شخصی باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

ادله نظریه اول (کفایت یک وضو برای چندین نماز)

الف) حدث معذور حدث نیست

با توجه به روایاتی که در ادله نظریه دوم نوع گذشته مطرح شد، مشخص می شود حدث معذورین حدث نیست. (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۰۱) بنابراین تا وقتی که حدث متعارف از مسلوس و مبطون خارج نشده، تجدید وضو لازم نبوده و شخص می تواند چندین نماز را با یک وضو اقامه نماید.

(ب) موثقه سماعه

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَهُ تَقَطِيرٌ مِنْ فَرْجِهِ (فَرَجِهِ) إِمَّا دَمٌ وَإِمَّا غَيْرُهُ قَالَ فَلْيَضَعْ حَرِيْطَةً وَ لِيَتَوَضَّأْ وَ لِيُصَلِّ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَلَاءٌ ابْتِيَّ بِهِ فَلَا يُعِيدَنَّ إِلَّا مَنْ الْحُدُثِ الَّذِي يُتَوَضَّأُ مِنْهُ». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶۶)

برخی (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۰۲) برای اثبات این نظریه به این روایت موثقه تمسک کرده‌اند؛ چرا که در ذیل این روایت تجدید وضو تنها پس از خروج حدث متعارف لازم دانسته شده است. بنابراین معذورانی همچون مسلوس و مبطون حتی برای نمازهای مختلف نیز به تجدید وضو نیازی ندارند.

دلیل نظریه دوم:

مهم‌ترین دلیل اثبات‌کننده این نظریه، صحیحه حریز است، که در ذیل ادله نظریه دوم نوع گذشته بیان گردید، اما بخاطر نیاز مجدد به استدلال به آن، آن را دوباره مطرح می‌کنیم:

صحیحه حریز

عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَقَطُرُ مِنْهُ الْبَوْلُ وَ الدَّمُ إِذَا كَانَ حِينَ الصَّلَاةِ اتَّخَذَ كَيْسًا وَ جَعَلَ فِيهِ قُطْنًا ثُمَّ عَلَقَهُ عَلَيْهِ وَ أَذْخَلَ ذَكَرَهُ فِيهِ ثُمَّ صَلَّى يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ وَ يُعَجِّلُ الْعَصْرَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ يُؤَخِّرُ الْمَغْرِبَ وَ يُعَجِّلُ الْعِشَاءَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي الصُّبْحِ. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۷)

تقریب استدلال: در این روایت تصریح شده که شخص معذور می‌تواند بین ظهرین و عشاءین جمع کرده و آنها را با یک وضو اقامه نماید. بنابراین نظریه دوم ثابت می‌شود. اشکال اول: این روایت با اقامه بیشتر از دو نماز با یک وضو و یا لزوم تجدید وضو بین دو نماز منافاتی ندارد. (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۰۲) زیرا از این جهت

ساکت است و تنها در مورد نجاست ظاهری می باشد و اگر جمع بین دو نماز مطرح شده به خاطر حفظ از نجاست ظاهری است.

اشکال دوم: از آنجا که بحث دم (خون) در کنار بول مطرح شده و روش مراقبت از سرایت نجاست مطرح است، مشخص می شود روایت در مقام بیان حکم طهارت خبثیه است، بنابراین از حیث حکم طهارت حدیثه اطلاقی ندارد.

اشکال سوم: از آنجا که در روایت اجازه گفتن اقامه برای نماز عشا و عصر مطرح شده، مشخص می شود فرض جایی است که در اثنای نماز حدیثی خارج نشود، زیرا در غیر این صورت می بایست به اقل واجب اکتفا شود. (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۷۴)

پاسخ: فرض روایت جایی است که قطره قطره از شخص خون یا بول خارج می شود (إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَقْطُرُ مِنْهُ الْبَوْلُ وَ الدَّمُ) و امام علیه السلام روش جلوگیری از سرایت نجاست را آموزش می دهد.

ادله نظریه سوم

الف) اجماع

شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۴۹) این نظریه را نظر اجماع فقها می داند. اشکال: با این همه اختلاف - به ویژه اختلاف نظر خود شیخ طوسی در کتاب های مختلفش - مطرح کردن اجماع جایی ندارد.

ب) مسلوس و مبطون از جهت دائم الحدث بودن مثل مستحاضه است و حکم آن را دارد. (طوسی، ۱۴۰۷ق (خلاف)، ج ۱، ص ۲۴۹)

اشکال: سرایت حکم مستحاضه به مسلوس و مبطون قیاس است. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۶۸)

ان قلت: مساوات حکم مسلوس و مبطون با مستحاضه به خاطر دلیل است، پس قیاس نیست. (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۴)

قلت: اگر دلیل داریم، دیگر نیازی به سرایت حکم از مستحاضه به مسلوس و مبطون نداریم و اگر دلیلی نیست، قیاس مطرح می شود.

جمع‌بندی:

نتیجه آنکه چون ادله نظریه اول بدون اشکال است، این نظریه ثابت شده و در نتیجه یک وضو برای چندین نماز کافی است.

مبحث دوم: وظیفه مسلسل و مبطلون در طواف

تفاوت بحث نمازهای یومیه با طواف و نماز طواف در این است که در طواف و نماز طواف - برخلاف نمازهای یومیه - امکان نایب گرفتن نیز وجود دارد. بنابراین باید هر یک به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

اقوال و ادله فقها:

بنابر نظر فقهای امامیه در مورد مسلسل انجام همان وظیفه نمازهای یومیه کافی است، (شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۹۱) اما در مورد مبطلون دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: علاوه بر انجام وظیفه‌ای که در بحث نمازهای یومیه گذشت، نایب گرفتن مبطلون برای طواف لازم است؛ مشهور اصحاب (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۰۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۷۱) و از میان معاصران، آیت‌الله صافی، آیت‌الله بهجت (تنها در مورد مبتلا به خروج مدفوع) و آیت‌الله فاضل این نظریه را پذیرفته‌اند و آیت‌الله وحید معتقد است برای چنین شخصی نایب گرفتن کافی است.

نظریه دوم: بیشتر فقهای معاصر انجام وظیفه نمازهای یومیه را کافی دانسته و نایب گرفتن را مطابق احتیاط می‌دانند؛ یعنی معتقدند احتیاط در این است که در صورت تمکن هم شخصاً طواف کند و هم برای طواف نایب بگیرد.

آیات عظام امام خمینی، خویی، گلپایگانی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم، صافی، زنجانی و نوری به این نظریه معتقدند. البته آیات عظام مکارم و زنجانی این احتیاط را در مورد مبتلا به خروج ریح لازم نمی‌دانند. (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، صص ۱۱۵-۱۱۴؛ پژوهشکده حج، ۱۳۹۶ش، ص ۳۰۲-۳۰۰، س ۷۴۰-۷۳۸)

ادله نظریه اول: (وجوب نیابت)

چنانچه برخی بزرگان تصریح کرده‌اند، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۷۱) تفاوت مبطنون با مسلوس به خاطر نص و روایات است. بنابراین باید روایات مورد بررسی قرار گیرد:

الف) صحیحہ معاویة بن عمار:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْكَسِيرُ يُحْمَلُ فَيُطَافُ بِهِ وَالْمُبْطُونُ يُرْمَى وَيُطَافُ عَنْهُ وَيُصَلَّى عَنْهُ. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۳۹۴)

ب) روایت خثعمی:

عَنْ حَبِيبِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْ يُطَافَ عَنِ الْمُبْطُونِ وَالْكَسِيرِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۳۹۴)

تقریب استدلال: در این روایات لزوم نایب گرفتن برای مبطنون در طواف مطرح شده است که با توجه اخبار در مقام انشاء در روایت اول و ماده امر در روایت دوم، روایات در وجوب نیابت ظهور دارند.

اشکال: با توجه به عطف «کسیر» (کسی که عضوی از او شکسته و قادر به طواف نیست) به مبطنون در هر دو روایت، مشخص می‌شود مقصود از مبطنون، تنها مبطنونی است که همچون «کسیر» به هیچ‌وجه توانایی طواف را نداشته باشد؛ علاوه بر اینکه مقتضای قاعده، صحت اعمال با طهارت اضطراری است. (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۲۱) بنابراین نمی‌توان با این دو روایت - که یکی هم از نظر سندی مشکل دارد - حکم به وجوب نیابت کرد.

دلیل نظریه دوم: (عدم وجوب نیابت)

مقتضای قاعده این است که در طواف هم مثل نماز، طهارت اضطراری کافی باشد و انجام همان وظایفی که در مورد نمازهای یومیه وجود دارد، کفایت کند و تفاوتی بین مبطنون و دیگر معذورین (مسلوس، مستحاضه و...) وجود نداشته باشد.

(خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۲۱)

نتیجه آنکه با توجه به عدم دلالت روایات بر مدعا مشخص می‌شود تفاوتی بین مسلوس و مبطون نبوده و انجام وظیفه نمازهای یومیه برای انجام طواف کافی است؛ هر چند احتیاط آن است که در صورت امکان مبطون برای طواف نایب نیز بگیرد. بنابراین مسلوس و مبطون اگر در وقت خاصی بتوانند طواف را با وضو و بدون خروج حدث انجام دهند، باید آن وقت را انتخاب کنند و طواف با وضو و بدن پاک به‌جا آورند؛ اگر چنین وقتی ندارند، در صورتی که مشقتی نداشته باشد، برای هر بار که حدث از آنها صادر شود یک وضو بگیرند و در صورت مشقت، انجام یک وضو برای طواف کافی است.

مبحث سوم: وظیفه مسلوس و مبطون در نماز طواف

اقوال و ادله فقها

با توجه به مطالبی که در مبحث قبل گذشت، مشخص می‌شود در نماز طواف نیز انجام همان وظایفی که در نمازهای یومیه لازم است، برای مسلوس و مبطون کافی است و از آنجا که در مورد نماز طواف، روایتی وارد نشده، تفاوتی بین مسلوس و مبطون در این مورد وجود ندارد.

نکته مهم آنکه آیا نماز طواف وضوی جداگانه‌ای غیر از وضویی که برای طواف انجام شده، لازم دارد یا نه؟ این مطلب به مبنایی که در بحث نماز اتخاذ شده بستگی دارد؛ اگر حدث مسلوس و مبطون را حدث ندانیم، انجام همان وضوی طواف، برای نماز نیز کافی خواهد بود؛ اما اگر در بحث نماز برای هر نماز تجدید وضو را لازم دانستیم، در اینجا نیز باید برای نماز طواف وضوی دیگری گرفته شود؛ البته احتیاط نیز در همین است و اگر نیابت در انجام نماز نیز ممکن باشد، بهتر است علاوه بر نماز خود شخص، نایب نیز نماز طواف را به‌جا آورد.

از این رو از میان معاصران برخی همچون آیات عظام سیستانی و مکارم معتقدند یک وضو برای طواف و نماز طواف کافی است و برخی دیگر همچون آیات عظام

سبحانی معتقدند باید یک وضو برای طواف و وضویی برای نماز طواف بگیرد. برخی نیز مثل آیت‌الله زنجانی بین مسلوس و مبطون فرق گذاشته و در مبطون دو وضو لازم دانسته و در مسلوس یک وضو را کافی می‌دانند. (پژوهشکده حج، ۱۳۹۶ش، ص ۳۰۰-۳۰۲، س ۷۴۰-۷۳۸)

نتیجه‌گیری

در این مقاله در سه مبحث، وظیفه مسلوس و مبطون مورد بررسی قرار گرفت:

مبحث اول: وظیفه در نمازهای یومیه

گفته شد مسلوس و مبطون بر سه نوع است:

نوع اول: گاهی خروج حدث دوام ندارد و در طول مدت زمان برای اقامه نماز، زمان‌هایی وجود دارد که شخص می‌تواند در آن طهارت و نماز را - اگرچه با اکتفا به اقل واجبات آن - انجام دهد؛ در این صورت طبق نظر همه فقها مسلوس و مبطون باید صبر کنند و نمازشان را در آن زمان اقامه کنند.

نوع دوم: گاهی خروج حدث دوام دارد؛ اما در بین نماز چند بار محدود (دو یا سه بار) حدث خارج می‌شود، که وضوگرفتن بعد از هر حدث و ادامه نماز موجب حرج نیست. در این صورت دو نظریه بین فقها وجود دارد: لزوم تجدید وضو در بین نماز و کفایت یک وضو برای هر نماز که با توجه به بررسی ادله مشخص می‌شود یک وضو برای هر نماز کافی است و نیازی به تجدید آن در بین نماز نیست.

نوع سوم: گاهی خروج حدث دوام دارد و در بین نماز پی در پی حدث خارج می‌شود؛ به گونه‌ای که وضوگرفتن بعد از هر حدث و ادامه نماز موجب حرج است، که در این صورت قطعاً و طبق نظر همه فقها یک وضو در ابتدای نماز کافی است و نیازی به تجدید وضو در بین نماز نیست.

البته بین فقها در مورد اینکه آیا یک وضو برای چندین نماز کافی است و یا برای هر نماز باید وضو گرفت، اختلاف نظر وجود دارد: کفایت یک وضو برای چندین

نماز کفایت یک وضو برای ظهرین و یک وضو برای عشاءین، لزوم تجدید وضو برای هر نماز، که با توجه به تمامیت ادله نظریه اول، مشخص می‌شود انجام یک وضو برای چندین نماز کافی است.

مبحث دوم: وظیفه در طواف

نتیجه به دست آمده این شد که با توجه به عدم دلالت روایات دال بر لزوم نیابت در طواف، مشخص می‌شود تفاوتی بین مسلوس و مبطون نبوده و انجام وظیفه نمازهای یومیه برای انجام طواف کافی است؛ هرچند احتیاط آن است که در صورت امکان مبطون برای طواف نایب نیز بگیرد.

مبحث سوم: وظیفه در نماز طواف

روشن شد که در نماز طواف نیز مثل طواف، انجام وظایف معذورین در نمازهای یومیه کافی است؛ اما در مورد اینکه آیا نماز طواف وضوی جداگانه‌ای غیر از وضوی که برای طواف انجام شده، لازم دارد یا نه؟ گفته شد که این مطلب به مبنایی که در بحث نماز اتخاذ شده بستگی دارد؛ اگر حدث مسلوس و مبطون را حدث ندانیم، انجام همان وضوی طواف، برای نماز طواف نیز کافی خواهد بود؛ اما اگر در بحث نماز تجدید وضو برای هر نماز را لازم دانستیم، در اینجا نیز باید برای نماز طواف وضوی دیگری گرفته شود. البته احتیاط نیز در همین است و اگر نیابت در انجام نماز نیز ممکن باشد، بهتر است علاوه بر نماز خود شخص، نایب نیز نماز طواف را به جا آورد.

منابع:

- * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش)، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم.
۱. ابن ادریس، محمدبن احمد، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران.
 ۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۴۱۳ق)، کتاب من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۳. ابن حمزة، محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی رحمته.
۴. ابن زهره، حمزة بن علی، (۱۴۱۷ق)، غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بيروت، دارالفكر.
۶. اسماعيل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط في اللغة، بيروت، عالم الكتاب.
۷. اشتها ردى، على پناه (۱۴۱۷ق)، مدارك العروة، تهران، دارالأسوة للطباعة و النشر.
۸. افتخارى، على (۱۴۲۸ق)، آراء المراجع في الحج (بالعربية)، تهران، نشر مشعر.
۹. بحراني، يوسف بن احمد، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۱۰. پژوهشكده حج و زيارت (۱۳۹۶ش)، مناسك حج (محمشي)، تهران، نشر مشعر، چاپ دوازدهم.
۱۱. جمال الدين حلى (۱۴۱۰ق)، المقتصر من شرح المختصر، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
۱۲. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۳. حسینی شیرازی، سيدصادق (۱۴۲۶ق)، بيان الفقه في شرح العروة الوثقى، قم، دارالأنصار، چاپ دوم.
۱۴. خمینی، سيدروح الله (بی تا)، تحرير الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۵. خویی، سيدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، المعتمد في شرح المناسك، قم، منشورات مدرسه دارالعلم.
۱۶. خویی، سيدابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئي، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخويي.
۱۷. روحانی، سيدصادق حسینی (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق، دار الكتاب، قم، مدرسه امام صادق عليه السلام.

١٨. زين الدين بن علي (شهيد ثاني) (١٤٠٢ق)، روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
١٩. سيد بن طاووس (١٤٠٦ق)، فلاح السائل، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.
٢٠. سيد بن طاووس (١٤١٥ق)، الإقبال بالأعمال الحسنة، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.
٢١. شاهرودي، سيد محمود بن علي (١٤٠٢ق)، كتاب الحج، قم، مؤسسه انصاريان، قم - ايران.
٢٢. صافي گلپايگاني، لطف الله (١٤٢٣ق)، فقه الحج، قم، مؤسسه حضرت معصومه عليها السلام، چاپ دوم.
٢٣. طوسي، محمد بن حسن (١٣٨٧ق)، المبسوط في فقه الإماميه، تهران، المكتبة المرتضويه لإحياء الآثار الجعفريه.
٢٤. طوسي، محمد بن حسن، (١٤٠٠ق)، النهاية في مجرد الفته و الفتاوى، بيروت، دارالكتاب العربي، چاپ دوم.
٢٥. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٢٦. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، تهذيب الأحكام، تهران، دارالكتب الإسلاميه.
٢٧. طوسي، محمد بن حسن (١٤١١ق)، الغيبة، قم، دارالمعارف الاسلاميه.
٢٨. طوسي، محمد بن حسن (بي تا)، الفهرست، نجف اشرف، المكتبة الرضويه.
٢٩. علامه حلي، حسن بن يوسف (١٤١٠ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٣٠. علامه حلي، حسن بن يوسف (١٤١٢ق)، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلاميه.
٣١. علامه حلي، حسن بن يوسف (١٤١٣ق)، قواعد الاحكام في معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٣٢. علامه حلي، حسن بن يوسف (١٤١٣ق)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم، دفتر انتشارات اسلامي.

۳۳. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق)، نهاية الإحكام فى معرفة الأحكام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۵. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ق)، كشف الرموز فى شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
۳۶. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
۳۷. كركى، على بن حسين (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فى شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم.
۳۸. كلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الكافي، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، المعبر فى شرح المختصر، قم، مؤسسه سيد الشهداء.
۴۰. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۵ق)، شرائع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، قم، المعارف الاسلامیه.
۴۱. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فى فقه الإمامیه، قم، مؤسسه المطبوعات الدينيه، چاپ ششم.
۴۲. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ق)، ذخیره المعاد فى شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۳. محمد بن مکى، (شهيد اول) (۱۴۱۲ق)، البيان، نشر محقق (محمد حسون)، قم - ایران.
۴۴. محمد بن مکى، (شهيد اول) (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشیعة فى أحكام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامى.

٤٦. موسى عاملی، محمد بن علی (١٤١١ق)، مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٤٧. نجاشی، احمد بن علی (١٤٠٧ق)، رجال النجاشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
٤٨. نجفی، محمدحسن بن باقر (١٤٠٤ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
٤٩. یزدی، سیدمحمد کاظم طباطبائی (١٤١٩ق)، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی.